

جایگاه واقعی نیروهای تروتسکیستی، استالینیستی و مانوئیستی در مبارزه ی طبقاتی

پاسخ به نامه ی "فریاد خلق" که در سایت "تنوری و پراتیک انقلابی" در دفاع از روش کار استالینیستی ی "حزب توفان" نوشته شده است.

۱- ایدئولوژی حاکم در جامعه ی سرمایه داری ایدئولوژی هیئت حاکم یعنی سرمایه داری می باشد که همین طور ما و شما هم به آن آلوده هستیم، و انسانی که به این ایدئولوژی آلوده نباشد تنها در جامعه ی سوسیالیستی که نشانی از سرمایه داری، و همین طور هرگونه دولتی چه کارگری و چه سرمایه داری نداشته باشد معنی دارد و بس.

۲- اما ما مارکسیست های واقعی یعنی تروتسکیست ها که حامل سنت بلشویزم هستیم، با جریانات استالینیستی و مانوئیستی فرق اساسی و ماهوی داریم، چه در حرف و چه در عمل. تاریخ ماتریالیزم دیالکتیک به ما نشان داده است که باید تروتسکیست بود و از منافع طبقه کارگر دفاع کرد. و سعی و کوشش ما باید در ساختن حزب پیشتاز انقلابی یعنی حزب لنینیستی در داخل ایران و با پیشرو کارگری باشد تا بتوانیم حافظ سنن بلشویزم باشد، برخلاف تمام احزاب استالینیستی و مانوئیستی که تماماً سعی در نابودی این سنن بلشویکی را دارند.

در این جا باید به شما بگویم که هدف وسیله را توجیح می کند و وسیله نسبت به هدف انتخاب می شود، اگر هدف شما مثل استالینیست ها انقلاب دومرحله ای و خیانت به طبقه ی کارگر و سازش با سرمایه داری باشد یعنی پست باشد، ابزارتان هم مانند آن ها پست خواهد شد. مثل عملی که "حزب توفان" انجام داده، یعنی سانسور بکند. ولی اگر هدفتان مانند بلشویک ها اهدافی عالی باشد یعنی انقلاب مداوم، و دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا وسیله تان هم باید خوب انتخاب بکنید و هیچ موقع اعمالی را که "حزب توفان" انجام می دهد، نکنید. در این جا خلاصه ای از آن افکار ضدانقلابی استالینیستی را می آورم (تجدیدنظرطلبی در انقلاب کارگری و اعلام انقلاب دو مرحله ای و کشف دوباره ی "بورژوازی ملی" و از این طریق معامله گری با "بورژوازی ملی" و فروختن انقلابات به سرمایه داری و خیانت به انقلابات کارگری مانند: انقلاب دوم چین سال ۱۹۲۷) (وقاحتشان به آن جا رسید که حتی چیانکای چک لیبرال را عضو افتخاری بین الملل ۳ می کنند)، و یا انقلاب کارگری اسپانیا و همین طور انقلاب فرانسه و انگلیس را تحت لوای جبهه متحد خلق به جای سنن بلشویزم یعنی جبهه متحد کارگری غالب می نمایند. البته همین کار را باز در شیلی به وسیله ی آلنده، و در ایران به وسیله ی قوام السلطنه، با شرکت در حکومت های بورژوائی یعنی خیانت و کشف تئوری "سوسیالیزم در یک کشور" و در نهایت منحل کردن بین الملل سوم در سال ۱۹۴۰ به عنوان کادو به متفقین به وسیله استالین، به جای تقویت آن و گسترش انقلابات کارگری و

سوسیالیستی انجام می دهند. همین کار را مانوئیست ها با تزهای مانو چهار طبقه ی اصلی (دهقانان، کارگران، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی، بورژوازی کمپراتور یعنی وابسته به امپریالیست) و تزهای سوسیال امپریالیست و جنگ چریکی^۱ البته بعد از تحمیل کردن خود به بورژوازی با آنان از در سازش برآمده و در حکومت های بورژوائی شرکت کرده اند و می کنند و خواهند کرد. و همین طور هیچ یک از این ها نتوانستند حزب لنینیستی بسازند، مثلاً هر کس برنامه آن ها را قبول کند فوراً عضو این احزاب می شوند و یک حزب گل و گشاد سوسیال دموکرات، به جای حزب لنینیستی درست کردند و می کنند، در حالی که در حزب لنینیستی تمام افراد تقریباً باید در یک سطح باشند نه این که چند نفر چوپان باشند و مابقی، گوسفند. و نیازی به کادرسازی نیست، چون اگر کادرسازی صورت بگیرد شاید آقایان، پست و مقامشان را از دست بدهند و یا اشاعه نظرات ژرژ پولیستر استالینیست که مارکسیزم را تا حد یک ایدئولوژی پایین می آورد و اعلام می کند که: "مارکسیزم ایدئولوژی طبقه ی کارگر می باشد و آن را به شکل مذهب در می آورد و همین نیز باعث بت پرستی و نوع دیگری از دین "مارکسیست" را اشاعه می دهد، در حالی که مارکسیزم علم است نه ایدئولوژی، این را مارکس در ایدئولوژی آلمانی بیان می کند و تأکید می کند که ایدئولوژی چیز کاذبی است و...) و به همین خاطر اگر کسی ایرادها و خیانت خمینی را بگوید توهین به خدا و پیغمبران و... تلقی می شود

^۱ <http://www.iwsn.org/aashr/۲/sara/mgal/Npal/۰.pdf>

و اگر کسی ایرادها و خیانت های استالین "کبیر" و یا "مانوی "کبیر" را بیان کند از دید اینان توهین و خیانت به مارکسیزم تلقی خواهد شد و این ها (استالینیست ها و مانوئیست ها) می خواهند که از طریق طبقه ی کارگر به قدرت برسند یعنی در نهایت به انقلابات خیانت کرده و می کنند و خواهند کرد. به قول تروتسکی: بحران، بحران رهبری است، انقلابات کارگری صورت می گیرند ولی این بورژوازی یا امپریالیزم نیست که آن ها را به شکست می کشاند، این رهبری های استالینیستی و مانوئیستی بودند و هستند که آن ها را به شکست می کشانند. برای درک بیشتر این موضوع پیشنهاد می کنم آثار تروتسکی را در همین سایت مطالعه بکنید.

۳- و اما اشاره ی کوچکی نیز به جنایات استالینیزم بیندازیم:

تمام سران حزب کمونیست ایران (نیک بین ...^۲) و رهبران حزب کمونیست لهستان و تمام اعضای کادر قدیمی بلشویک که بیش از ۳۶۰ نفر بودند بدون استثناء توسط استالین در بی دادگاه های آن به عناوین مختلف اعدام و یا سر به نیست شدند.

بیش از یک میلیون کمونیست و کسانی که به استالین اعتراض می کردند با برچسب جاسوسان آمریکا و تروتسکیست اعدام شدند و یا به دست «کاگ ب» ترور شدند. لنون تروتسکی بنیان گذار ارتش سرخ و... خود و تمام فامیلش به وسیله «کاگ ب» سر به نیست شدند، در حکومت کارگری و سوسیالیستی نباید پلیس مخفی داشته باشیم ولی استالین یکی از مخوف ترین پلیس مخفی های جهان را

^۲ - <http://www.iwsn.org/aashr/\^/asn/a.htm>

سازمان دهی کرده بود که اگر از «سی آی ای» آمریکا جنایت کارتر نبود از او هم بهتر نبود. و همین طور قرارداد ننگینی را حتی با هیتلر به امضاء رساندند و لهستان را بین خود تقسیم نمودند. و یا در رابطه با او جالان رهبر عظیم الشان «پ کا کا» بگویم که همیشه عکس استالین بالای سرش بود، او نیز با همین روش اکثر کُردهائی را که مخالفش بودند ترور و به قتل رسانده است. به قول معروف، کسی جرأت نداشت بگوید بالای چشمت ابروست. هر چند ما از حق بیان آن و علیه توطنه های ارتجاع برای نابودی او دفاع کرده و می کنیم چون از روش کار استالینیستی برش کرده ایم و دفاع کردن از حق بیان آن ها، باعث این نمی شود که جنایاتشان را و روش کار استالینیستی شان را افشاء نکنیم. البته مسائلی که من در این جا بیان کردم فقط گوشه هائی از برنامه و جنایات استالینیزم می باشد و محکوم نکردن آن و حتی سکوت در مقابل این ها یعنی دست داشتن در این جنایات. فردا همین ها هم اگر به قدرت برسند!!! همان کار را خواهند کرد که جد بزرگوارشان استالین "کبیر" انجام داد.

۴- از کی تا به حال نیروهای استالینیستی جزو احزاب مترقی یا انقلابی شدند، تمام احزاب استالینیستی نه ۹۹% بلکه ۱۰۰% جزو نیروهای ضدانقلابی هستند مگر آن که مثل خود من واقعاً هم در حرف و هم در عمل از استالینیزم برش کامل کرده باشند و تروتسکیست شده و از ایدنولوژی بورژوائی و خرده بورژوائی برش بکنند نه آن که مانند استالینیست ها و مانوئیست ها به خیلی از آن ها مهر انقلابی نیز بزنند. باز اشاره مختصری به این موارد

می‌کنم (مثلاً این‌ها اگر طرف مقابل را جزو نیروهای ضدانقلابی بدانند، خود را مجاز می‌دانند هرگونه حقه‌بازی و دغل‌بازی و شانتاژ و شایعه‌پراکنی نموده تا او را ساقط کنند. ولی غافل از این‌که بلشویزم یعنی سوسیالیزم انقلابی نه تنها در مقابل استالینیست‌ها و مائوئیست‌ها احتیاجی به دروغ‌گویی و دغل‌بازی نمی‌بیند بلکه حتی در مقابل سرمایه‌داری و جمهوری اسلامی و حتی امپریالیزم به شگردهای بورژوائی و خرده‌بورژوائی و استالینیستی تن در نمی‌دهند و فقط واقعیت‌ها را منعکس می‌کنند و بس. این برای حقانیت مارکسیزم انقلابی و طبقه‌ی کارگر کافی می‌باشد. **باز مثال دیگری:** بت پرستی نیز جزو فرهنگ بورژوائی می‌باشد استالین در وهله اول با مومیائی کردن لنین قدم در این راه گذاشت البته این کار با وجود مخالفت تروتسکی و زن لنین کروپسکایا صورت گرفت و همین‌طور می‌بینیم که قد و نیم‌قد مجسمه‌های مارکس، انگلس، لنین، استالین ساخته شدند و از این طریق مجسمه‌های دیگری در تمام کشورهایی که استالین زده، بودند نیز رواج پیدا کرد و حتی استالین کار را به آن جا رسانده بود که می‌خواست مجسمه‌ی **صدوپنجاه متری** لنین را درست بکند که خوشبختانه عمرش به پایان رسید و موفق به این کار نشد. و به همین دلیل زمانی که پیشه‌وری در دوران مشروطه در رأس جنبش بود، مجسمه‌ی شاه را پائین آوردند مجسمه‌ی ستارخان و باقرخان را به جایش گذاشتند، این نوع یادبود درست کردن‌ها، یعنی بت پرستی یعنی همان شیوه‌ی استالینیستی.

یکی از رفقا به من پیشنهاد کرد که نمی خواهی سر مزار مارکس بروی و عکس بیندازی و من در جواب گفتم که من بت پرست نیستم، من به افکار مارکس ارزش قائلم نه به جسدش و اگر بتوانم آن ها را عملی می کنم البته این ها خصلت های بورژوائی و خرده بورژوائی می باشد و یا دفن منصور حکمت در کنار مزار مارکس و درست کردن مجسمه منصور حکمت سر مزارش، همه و همه روش کار بورژوائی و خرده بورژوائی می باشد که مهر "انقلابی" استالینیستی و مائوئیستی خورده اند. و باز مثال دیگری: اگر کیانوری بیاید همه ی توده ائی ها می خواهند با او عکس بیندازند و یا شاملو یا پسر شاملو و یا... البته این شامل تنها حزب توده نیست شامل تمام احزاب خرده بورژوا و بورژوا نیز می باشد، و باز مثال دیگری: استفاده از القابی مثل پروفیسور، دکتر، مهندس و... و یا اشاعه ی القابی مثل لنین بزرگ استالین کبیر و... استالین عظیم الشان... و یا گرفتن پست و مقام در تشکیلات ها به وسیله رشوه، پارتی بازی، یا باند بازی و یا حتی بعضی از احزاب می بینی هنوز از روابط ارباب رعیتی استفاده می کنند. یعنی رهبران تبدیل شدند به اربابان آن احزاب و هرچه او گفت همان می شود، حتی اگر بدانند درست نیست. و باز مثال دیگری: افراد خرده بورژوا و استالینیست کار سیاسی را جزو تفریحات شان می دانند هفته ای یکی دو ساعت به آن اختصاص می دهند و فکر می کنند با این نوع کار کردن می توان انقلاب سازمان دهی کرد. ولی هنوز هم مثل "حزب توفان" تابلوی خودشان را حفظ کرده اند، از این دست احزاب و سازمان کم نداریم. البته این خصلت ها فقط گوشه ی

کوچکی از شگردهای بورژوائی خرده بورژوائی بودند که مهر "انقلابی" استالینیستی و مائوئیستی رویشان حک شده است. تمام این ها را من خودم در احزاب و تشکیلات استالینیستی شاهد بودم.

۵- شما و حزب توفان و سایت آدرخش و ما با طرز کارمان در عمل و همین طور با تنوری هایمان به پیشروی کارگری انقلابی و سوسیالیستی در داخل کارخانه جات ایران، راه و چاه را نشان می دهیم و آن ها خود در باره ی ما قضاوت خواهند کرد و این نیز جزو مبارزه طبقاتی می باشد.

شما با این نامه نگاری تان به قول خودتان " (با در نظر داشت اینکه نه عضو توفان هستیم و نه تابعیت ایران را داریم، من یک مارکسیست - لنینست و مائوتسه دون اندیشه ام)" نشان دهنده این می باشد که مائو نیزم با استالینیزم در ظاهر هم یکی هستند و از هم دیگر دفاع جاتانه ای می کنند البته به خیال خودشان. همان طور که در زمان استالین و مائو نیز در کشور آن ها سانسور اعمال می شد، در احزاب و سازمان هائی که خود را استالینیست و مائوئیست می دانند سانسور یکی از ابزار مبارزاتی شان می باشد. و به همین خاطر شما می گویند که: "از دید من تنها این مسئله نیست که حزب کار ایران (توفان) نام نشر کارگری را از آثار گرانبهای مارکسیستی حذف نموده است (که این عمل چندان مهم نیست)، بلکه اصل مسئله تاختن این انسان بی شخصیت بارها و بارها به شخصیت بالای چون استالین کبیر است."

این نامه شما دید مذهبی شما را نسبت به مارکسیزم به نمایش می گذارد. و واقعاً استالینیست ها و مائونیست ها به شخصیت مذهبی انسان ها مثل: کبیر، عظیم الشان، بزرگ... اهمیت می دهند نه به تئوری آن ها، در بالا اشاره کرده ام که مترقی بودن این ها از چه قماش می باشد. ما می گوییم این نوع روش کار، روش کار تمام احزاب و سازمان های بورژوائی و خرده بورژوائی و همین طور استالینیستی و مائونیستی می باشد که فردا این ها مخالفان خودشان را مثل پدر برحق خود که معتقدند بزرگوار و کبیر و هزار یک کوفت و زهرمار بورژوائی و خرده بورژوائی دیگر القابش می کنند اگر خود شخصاً نمی توانند به طور فیزیکی و یا به قول خودشان اعدام انقلابی کنند، لااقل می توانند به دولت های سرمایه داری لو بدهند و کار این ها را، آن ها انجام دهند مثل حزب توده و اکثریت، درگیری های اقلیت با مخالفانشان در کردستان. چرا که جزو مخالفین این ها قرار گرفتند و از تشکیلات این ها خارج شدند و خواننده خود قضاوت خواهد کرد که چقدر نامه شما بی طرفانه است!!!! و با این کارتان نه تنها نمی توانید برای امثال "حزب توفان" در نزد پیشروی کارگری انقلابی و سوسیالیستی آبرو بخرید بلکه خود را نیز بی آبرو می کنید.

شما با بیان این مطلب که "ترتسکی که مانند لباس، هر لحظه فکر خود را عوض میکرد، یک امروز اکونومیست بود و روز دیگر بلشویک می شد یا روز های دیگر ضد بلشویک ها عمل می کرد." نشان داده اید که شما اولین شرط مارکسیزم که ماتریالیزم دیالکتیک و تکامل می باشد و مغایر با نظرات

استالینیستی مذهبی شماست که حتماً یک فرد مارکسیست نباید افکار خودش را تکامل دهد و باید به یک حزب و یا سازمان بچسبد و نظرات خود را تکامل ندهد، اولاً نه تنها تروتسکی بلکه لنین نیز همیشه در تکامل نظریات خود می کوشیدند، نظرات ۱۹۰۲ لنین همان نظرات ۱۹۱۷ نبود بلکه تکامل یافته بود یا به قول شما لباس خود را عوض کرده بود، البته تقصیر شما نیست شما کار سیاسی را یا به کیبورت مقایسه می کنید و یا با لباس عوض کردن، این نوع برخورد باز یکی از خصلت های استالینیستی می باشد که حرف برای گفتن باید پیدا کند.

سر مسأله ی حزب تروتسکی اشتباه می کرد و خودش ده ها بار در مقالات و کتاب هایش این را متذکر شده و برخورد لنین را نسبت به خودش صددرصد درست ارزیابی کرده، ولی سر مسأله دیکتاتوری پرولتاریا، تروتسکی در کتاب "چشم اندازها" در سال ۱۹۰۴، پافشاری می کند ولی لنین از دیکتاتوری کارگران و دهقانان دفاع می کند، و لنین تا ۱۹۱۷ روی آن پافشاری می کند ولی در سال ۱۹۱۷ نظرات خود را تکامل می دهد و یا به قول شما لباس عوض می کند! و وقتی در تزه های آوریل این مطلب را بیان می کند اکثر رهبران حزب بلشویک از جمله کامنف و زینویف می گویند که لنین تروتسکیست شده، و با تکامل این نظریه از طرف رهبران انقلاب اکتبر یعنی لنین و تروتسکی دیگر هیچ اختلافی بین آن ها وجود نداشت و به همین خاطر هر دو در تکامل انقلاب تا آخرین دقیق زندگی شان گام برداشتند.

۶- این نامه شما نشان دهنده ی یک دید مذهبی به مارکسیزم می باشد و شما به عنوان یک ایدئولوژی از آن دفاع جانانه ای می کنید، "ترتسکی که در واقع فرزند ناخلف طرح ها و ایده های ضد مارکسیستی کائوتسکی بود توانست با اراجیف ضد مارکسیستی خود سرنوشت انقلاب کبیر اکتبر را به خاک سیاه بنشانند. این اراجیف ضد مارکسیستی را فرزندان ناخلف ترتسکی همچون برژنف، خروشچف، گورباچف و هزاران چف ضد مارکسیزم دیگر که بعد از مرگ استالین کبیر مانند قارچ های زهری سر برآوردند، همانطوریکه پدر لعنتی شان گفته بود پیاده نمود و از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک سوسیال امپریالیزم و بالاخره یک امپریالیست خونخوار ساخت." هر کسی که کمترین آشنائی با مارکسیزم- لنینیزم داشته باشد به این اراجیف بالا که جملات را انگار داخل توپره ریخته و هیچ به هم ربط ندارند را سرهم کرده نشان دهنده ی ضعف تئوریک استالینیست ها و مانوئیست هاست. و تنها جواب شماها از این کلمات فراتر نمی رود. و استالین تمام بلشویک های قدیمی و مخالفانش را به اسم تروتسکیست، جاسوسان آمریکائی و ارتجاع به جوخه های اعدام سپرد. و این دیدگاه شما خاطره ای را به یاد من آورد که آن را در این جا بیان می کنم. ۱۷ ساله که بودم در شهر محل سکونت و تولد خود هسته ای از سازمان چریک های فدائی خلق داشتیم که من نیز عضو آن بوده و هر هفته جلسه ای داشتیم که منتخب آثار لنین را مطالعه می کردیم. من برای اولین بار اسم و عکس تروتسکی را در

روزنامه کارگر دیده بودم و فقط تیتراهای آن نشریه را خوانده بودم و برایم سؤال شده بود که ترولسکی کیست و آن را از مسئول خود در سازمان پرسیدم که ترولسکی کیست؟ و او در جواب من گفت که ترولسکی همان کائوتسکی مرتد است!! همان چیزی که شما در این جا مطرح می کنید و نمی دانم چگونه آن را به خروشچف و دیگران ربط می دهید واقعاً در حیرتم، واقعاً فکر نمی کردم این قدر شما ساده لوح و بی تجربه باشید. من از روی بی تجربگی و جوانی در آن مقطع آن جواب را پذیرفتم. ولی حالا می بینم که هنوز کسانی هستند که هنوز از خواب خرگوشی بیدار نشده اند. و فکر می کنند که برای مارکسیست شدن حتماً باید کیبورت را حرفه ای نواخت تا مارکسیست «ماتریالیزم دیالکتیک» را فهمید!!!

۷- در ضمن باید بگویم که مانوی "بزرگ" شما اشتباه بزرگی مرتکب شده که در رابطه با استالین "کیبر" این گونه قضاوت نموده. "کوبیدن شخصیت استالین کیبر یکی از سیاستهای امپریالیست هاست که هیچ مارکسیستی از آن انکار کرده نمی تواند. استالینی که بهترین نقد را مائو بزرگ از آن کرد (۳۰ درصد اشتباه و ۷۰ درصد دستاورد)" اگر از مارکسیزم اطلاع کافی داشت حتماً درصد را این طور می نوشت: [تا قبل از انقلاب اکتبر اشتباه هفتاد درصد و دست آورد ۳۰ درصد، و اما بعد از انقلاب اکتبر اشتباه ۹۹٪، دست آورد یک درصد، البته آن یک درصد را هم تخفیف می داد که بتواند مثل شما کیبورت را حرفه ای بنوازد!!!

۸- بیش از پنج سال است تعدادی از افراد در نشر کارگری سوسیالیستی زحمت کشیده تایپ، اصلاح و صفحه بندی آثار مارکسیستی و... انجام می دهند و از نقطه نظر شما اگر این ها را در یک چشم به هم زدن مال خود بکنند. بدون آن که زحمتی کشیده باشد، برای استالینیست ها این کار مانعی ندارد ولی روش کار ما بلشویک ها یعنی سوسیالیست های انقلابی طور دیگری است. یعنی به نظر شما ما هم کتاب «مزد، بها، سود» نوشته مارکس که در سایت توفان است باید اسم مشخصات توفان را حذف کنیم و بگوئیم این جزو آثار نشر کارگری سوسیالیستی می باشد و این کار از دید شما بلامانع است ولی از دید ما و سنت بلشویکی یک دزدی می باشد ولی ما آن را دوباره تایپ، اصلاح و صفحه بندی کردیم. و حتی در زیرش نوشتیم برگرفته از سایت "حزب توفان" و بعد از تمام این کارها اسم نشر و تمام مشخصات خودمان را بالای صفحات آن زدیم و به زودی در سایت نشر کارگری سوسیالیستی قرار خواهیم داد.

۹- شماها ما را مجبور کردید که به زودی در نشر کارگری سوسیالیستی صفحه ای باز کنیم به نام (دوری از روش کار استالینیستی و مانوئیستی) که تمام این نامه ها و نامه های شبیه آن، در رابطه با کارگران تبعیدی و حزب کمونیست کارگری و... را قرار دهیم تا پیشروی کارگری انقلابی و سوسیالیستی از این نوع روش کارها دوری کند در غیر این صورت انقلاب کارگری و انقلاب سوسیالیستی به یک اتویی تبدیل خواهد شد و غیر قابل اجرا خواهد بود. برش از

این نوع روش کار شرط اول کار انقلابی است، سوسیالیزم که جای خود دارد.

۱۰- تنها به برنامه انقلابی بلشویزم یا مارکسیزم انقلابی (مارکسیزم، لنینیسم و تروتسکیزم) مسلح بودن کافی نیست کسانی هستند که خود را «تروتسکیست» می دادند ولی به دلیل استفاده از این نوع سبک کار، آن ها را در صف راه کارگر قرار داده، به همین خاطر تروتسکیست بودنشان هم آیکی شده (و امروز در کنار و در خدمت فرمیست هایی مانند راه کارگر قرار دارند). و به خاطر این که اکثر افرادی که از سابقه ی استالینیزم می آیند حالا اگر خودشان حتی آن را حاشا کنند و علیه استالینیزم قلم فرسایی هم بکنند ولی روش کارشان همان است که قبلاً داشتند یعنی روش کار استالینیستی و بوروکراتیک.

۱۱- در آخر اشاره ی کوچکی به کتاب خانه ی "حزب توفان" بیندازیم. بنا به گفته شما: "دروغ از آن بزرگتر این است که (توفان) تنها آثار استالین را نشر می کند، در حالیکه آثار مارکس، انگلس و لنین کبیر نیز در این سایت به وضوح دیده می شود، می توان از طریق این آدرس www.toufan.org آنها را به وضوح مشاهده کرد و این دروغ نوع آذری را نیز افشا نمود." در این کتاب خانه تمام آثار استالین را تایپ کرده اند و اسم شان را در زیرش حک کرده اند ولی در بخش آثار لنین، مارکس، انگلس جمعاً نوزده مقاله و کتاب موجود می باشد که ده تای آن متعلق به نشر کارگری سوسیالیستی، سه تای آن متعلق به حجت برزگری، دو تای آن متعلق به سایت مارکسیست ها و سه تای آن فقط به

"حزب توفان" تعلق دارد البته با این طرز کار استالینیستی اگر آن ها را از سایت های دیگر کپی نکرده باشند. همه ی این ها به اسم انتشارات "حزب توفان" در کتاب خانه شان گذاشته اند. و این دروغ، افتراء از نوع استالینیستی آن بود، نه از نوع آذری آن جناب آقای فریاد خلق. اگر به تکامل اعتقاد دارید می توانید عقایدتان را از استالینیزم به تروتسکیزم و نام تان را از "فریاد خلق" به "فریاد کارگر" و همین طور "جبهه ی متحد خلق" تان را هم به "جبهه ی متحد کارگری" تکامل دهید. من به شما توصیه می کنم بروید آثار تروتسکی را در مورد استالینیزم مطالعه کنید تا مثل بنده سال ها سردرگم در [سازمان چریک های فدائی خلق، راه کارگر، اتحاد چپ کارگری] نشوید. تکامل نظریات مارکسیزم در لنینیزم و تکامل نظریات لنینیزم در تروتسکیزم نهفته است. صحت نظریات تروتسکی را در رابطه با شوروی تاریخ به اثبات رساند و در حال حاضر موفق ترین و کارآمدترین و منسجم ترین نیروهای مارکسیستی در جهان تروتسکیست ها می باشند (با وجود انحرافات که برخی از آنان مرتکب شده اند).

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی

یاشار آذری

آدرس کتاب خانه " حزب <http://www.toufan.org>

توفان " «لینک های اصلی و لینک های با سانسور حزب توفان»

لطفاً به بالای صفحات اول و آخر مقالات و کتاب ها توجه شود تمام مشخصات پاک شده است جالب این جاست که بالای کتاب خانه نوشته شده «پاره ای از انتشارات حزب کار ایران (توفان)» البته منظورشان پاره ای از انتشارات دزدی و سانسور شده ی "حزب کار ایران (توفان)" می باشد.

این مطالب حذف شده اند بالای صفحات نشر کارگری سوسیالیستی و پایین اسم مترجم و منبع کتاب و مشخصات زیرین

ترجمه:

منبع:

بازنویس: یاشار آذری

آدرس ای نترنتی کتابخانه:

<http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی:

۱- در باره غرور ملی و لیکاروس ها- از لنین

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\lnin/guru/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۳۴.pdf>

۲- جزوه یونیوس- از لنین

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\lnin/yoni/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۳۳.pdf>

۳- اتحادیه های کارگری و سه مقاله دیگر- از انگلس

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\marx/eteh/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۲۲.pdf>

۴- طرح اولیه تزه های مربوط به مسأله ی ملی و مستعمراتی- از لنین

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\lnin/mstmr/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۲۱.pdf>

۵- انگلس و ادبیات فارس- از انگلس

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\marx/fars/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۱۹.pdf>

۶- تزه های آوریل- از لنین

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\lnin/avr/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۱۵.pdf>

۷- بی اعتنائی به سیاست- از مارکس

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/\marx/biet/۰.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/۱۳.pdf>

۸- نقد برنامه کوتاه از مارکس

شش صفحه از اول کتاب حذف شده است از جمله: جلد، فهرست، مقدمه ی مترجم و پیش گفتار م. رازی و

«لینک بدون سانسور در نشر کارگری سوسیالیستی»

<http://www.iwsn.org/aashr/1/marx/gota/0.pdf>

این لینک پانینی با «پ د اف» ۴ ، «پ د اف» شده و به همین خاطر در وسط آ ۴ ، آ ۵ «پ د اف» شده است ولی بعداً «پ د اف» ۵ و ۶ و ۷ آمد که خودشان آ ۵ «پ د اف» می کند. و نیاز نیست که دور آن بریده شود.

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/12.pdf>

۹- اصول کمونیزم از انگلس

«لینک بدون سانسور» <http://www.iwsn.org/aashr/1/marx/usul/0.pdf>

«لینک با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/11.pdf>

۱۰- برنامه کمونارهای بلانکیست فراری از انگلس «از word های

قدیمی نشر کارگری سوسیالیستی»

«لینک قدیمی بدون سانسور در سایت حزب کمونیست ایران»

<http://www.pavam.nu/engels/barnamehye-komonarha.pdf>

«لینک قدیمی بدون سانسور در سایت مارکسیست ها»

<http://www.marxists.org/farsi/archive/marx/works/1874/barnamehye-komonarha.pdf>

«لینک قدیمی با سانسور حزب توفان» <http://www.toufan.org/books/9.pdf>

«لینک جدید بدون سانسور در نشر کارگری سوسیالیستی»

<http://www.iwsn.org/aashr/1/marx/kmnar/0.pdf>